

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

وَ الْفَجْرِ (1)

قسم به اول صبح. (1)

وَ لَيْالٍ عَشْرٍ (2)

و شب های ده گانه. (2)

وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ (3)

و جفت و طاق. (3)

وَ الْيَلِّ إِذَا يَسُرُّ (4)

و شب وقتیکه می گذرد. (4)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حَجْرِ (5)

آیا در این است قسمی برای صاحب خرد؟ (5)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (6)

آیا ندیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو به (قوم) عاد؟ (6)

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (7)

ارم (نام دیگر قوم عاد) صاحب پایه ها (قامت ها و ستون های بلند). (7)

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (8)

آنکه نشده آفریده مانند آنها در شهر ها. (8)

وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (9)

و (چگونه معامله کرد پروردگار تو به قوم) ثمود آنانکه تراشیدند سنگ ها را در وادی؟ (9)

وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (10)

و (چگونه معامله کرد پروردگار تو به قوم) فرعون صاحب میخ ها؟ (10)

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (11)

آنانکه (عاد و ثمود و فرعون) سرکشی کردند در شهر ها. (11)

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (12)

پس بسیار کردند در آنها تباهی را. (12)

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (13)

پس ریختاند بر ایشان پروردگار تو تازیانه عذاب. (13)

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (14)

هرآئینه پروردگار تو البته همیشه در مراقبت است. (14)

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي - أَكْرَمَنِ (15)

پس اما انسان وقتیکه امتحان کرد او را پروردگار او پس عزت داد او را و نعمت بخشید او را پس می گوید: پروردگار من با عزت و گرامیقدر ساخت مرا. (15)

وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي - أَهْنَنِ (16)

و اما وقتیکه امتحان کرد او را پس تنگ ساخت بر او روزی او را پس می گوید: پروردگار من خوار ساخت مرا. (16)

كَأَلَمْ يَلِدْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (17)

نه، هرگز؛ بلکه نمی دارید گرامی یتیم را. (17)

وَ لَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (18)

و نمی کنید تشویق یکدیگر را بر غذا دادن فقیر. (18)

وَ تَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (19)

و می خورید میراث را خوردن همه یکجا کرده. (19)

و تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (20)

و دوست می دارید دارائی را دوستی بسیار. (20)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (21)

نه، هرگز، وقتیکه هموار کرده شد زمین کوبیدن (بعد) کوبیدن. (21)

وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (22)

و آمد پروردگار تو و فرشته گان صف در صف. (22)

وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (23)

و آورده شد آن روز دوزخ را. آن روز یاد می کند انسان و چطور باشد برای او یاد کردن؟

(23)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (24)

می گوید: ای کاش پیش می فرستادم برای زنده گانی من. (24)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا (25)

پس آن روز نمی کند عذاب (مانند) عذاب خدا هیچ کسی. (25)

وَ لَا يُوثِقُ وَتَاقُهُ أَحَدًا (26)

و نمی بندد (مانند) بندیدن او هیچ کسی. (26)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (27)

ای نفس آرام کرده شده! (27)

ارْجِعِي - إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (28)

بر گرد به سوی پروردگار خود (تو از خدا) خوشنود شده و (خدا از تو) خوشنود شده. (28)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (29)

پس در آی در (زمره) بنده گان (خاص) من. (29)

وَ اِنْخُلِيْ جَنَّتِي (30)

و در آى (در) بهشت من. (30)